

معمای خودکشی دانش‌آموزان آبدانان

زین سوز نهان خلق به جز آه ندیدند

فاطمه کریم‌خان

در روزهای منتهی به هفته اول آذر ماه سال جاری، چند دانش‌آموز دختر و افلاک پسر در استان ایلام جان باخته‌اند. چهار نفر آنها در يك محله زندگی می‌کردند و هم‌مدرسه بوده‌اند، دلیل مرگ همه آنها «خودکشی» اعلام شده است.

در رسانه‌های محلی ایلام از ششم آذر ماه به بعد اخباری در مورد «اپیدمی خودکشی» دیده می‌شود، تا بنگ ایلام، در تاریخ ششم آذر 1402، ساعت هشت صبح گزارشی را منتشر کرده که با عبارت «طی يك ماه اخیر چندین مورد خودکشی در بین قشری خاص و با رنج سنی مشخص در شهر آبدانان رخ داده که قابل تامل و رعب‌انگیز است»، آغاز شده است. در این مطلب که به قلم «بهروز مردانی» نوشته شده، از نقش‌آفرینی کم رسانه‌ها در مورد مساله بازتاب اخبار خودکشی گلایه و تاکید شده است که «امروزه تاثیرگذاری رسانه از خانواده که از آن به عنوان بیان محکم یاد می‌شود و همچنین مدرسه به عنوان شکل‌دهی مسیر زندگی به مراتب بیشتر بوده و بر کسی پوشیده نیست، لذا انکار رسانه‌ها و محرم ندانستن آنها نه تنها کارساز نبوده، بلکه ممکن است مشکل‌ساز شود. موضوع خودکشی که از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است و نیاز به آموزش دارد؛ چرا رسانه‌ها نباید در کارگاه‌های آموزشی یا جلسات روانشناسی حضور داشته باشند. اما موضوعی به این مهمی که شهر را درگیر و خانواده‌ها را داغدار و مضطرب و نگران کرده، چرا مسوولان استانی و کشوری بی‌خبر از آن باشند و اگر اطلاعی دارند چرا در این مدت ورود نکرده و اقدام خاصی صورت نگرفته است؟ شایعاتی که در سطح شهر مطرح است را چه کسی باید پاسخگو باشد؟» به نظر می‌رسد آقای مردانی در این یادداشت تا حدودی از آنچه رخ داده است، پرده برمی‌دارد. با این حال، بحث در همین جا متوقف نمی‌شود.

بررسی‌های «اعتماد» نشان می‌دهد در پنجاه روز گذشته پنج دانش‌آموز دختر و پسر متوسطه اول و دوم در آبدانان خودکشی کرده‌اند. «فایز

سعادت» آنطور که همسایه‌ها می‌گویند به تازگی دیپلم گرفته بود و برای درجه‌داری اقدام کرده بود، اما رد شد، در هفته آخر مهر ماه خودش را دار زده است. «باران قمبری»، دانش‌آموز متوسطه اول، اواخر مهر ماه به همین روش خودکشی کرده است. «ساناز قمبری» که دبیرستان را به تازگی تمام کرده و دخترعموی باران بوده است، در چهلیم باران خود را حلق‌آویز کرده. «آنیتا نوری» هفده ساله بوده که در اوایل آذر ماه خودکشی کرده و دهم دی ماه، چهلیم او است. دختر دیگری به نام خانوادگی «عبداللهی» که سال دوم دبیرستان بوده هم در همین هفته‌ها به همین دلیل جان باخته است.

«حرمت‌الله موسوی‌مقدم»، خبرنگار محلی در آبدانان در مورد اخبار خودکشی‌های اخیر در این شهر می‌گوید که چهار خانواده از پنج خانواده‌ای که دخترانشان در کمتر از دو ماه گذشته خودکشی کرده‌اند را می‌شناسد. او می‌گوید: «این خانواده‌ها از نظر مالی در فشار نبودند، بچه‌ها به مدرسه می‌رفتند و دو تای آنها هم چادری بودند. ایلام برای سال‌ها یکی از بالاترین آمارهای خودکشی در کشور را داشته، اما آنچه الان در حال رخ دادن است، موضوع دیگری است.» «خانم مرادخانی»، معاون اجتماعی فرماندار آبدانان هم این مساله را تایید می‌کند: «آنچه موجب نگرانی شده، این است که این دانش‌آموزان به يك شکل واحد خودکشی کرده‌اند.»

«بهروز مردانی»، خبرنگار محلی که در این مورد با «اعتماد» گفت‌وگو کرده، می‌گوید: «جو بدی در شهرستان حاکم شده. حرف زدن در این مورد می‌تواند گرفتاری‌هایی به همراه داشته باشد. ما هم از این وضعیت ناراحت هستیم و فکر نمی‌کنیم سکوت رسانه‌ها به کسی کمکی بکند؛ در هفته‌های اخیر وزیر کشور و استاندارش به اینجا آمده‌اند، مسوولانی از بهزیستی به اینجا آمده‌اند و مدام قول پیگیری می‌دهند، اما تنها حرف می‌زنند و می‌روند. نگرانی از این است که خودکشی‌های مشابه دیگری در روزهای آینده هم اتفاق بیفتد. چه کسی باید در این مورد مسوولیت قبول کند؟»

در گزارش ایرنای ایلام به تاریخ چهاردهم آذر ماه از قول مدیرکل امور اجتماعی استانداری ایلام آمده است که «طبق بررسی‌های علمی و پژوهش‌های میدانی، ریشه ۵۰ درصد از علل خودکشی‌ها و آسیب‌های اجتماعی در وجود تعارضات بین جوانان و نسل‌های گذشته است». در ادامه همین گزارش که مشروح اظهارات اعضای حاضر در نشست کارگروه آسیب‌های اجتماعی استان ایلام در شهر آبدانان است به این مساله اشاره شده است که «در چند ماه گذشته تعداد زیادی از مردم آبدانان به خصوص (چهار نفر از نوجوانان دانش‌آموز) با انگیزه‌های ناشناخته از طریق حلق‌آویز کردن، دست به خودکشی زده‌اند». در این گزارش از

قول محمد رحمانی، فرماندار شهرستان آبدانان آمده است که «با توجه به سبک و سیاق، شباهت‌ها و اصول و ابزار مورد استفاده افراد خودکشی (کسانی که مرتکب خودکشی می‌شوند)، حساسیت‌هایی در بین مردم ایجاد شده و به همین علت همه مدیران، متولیان، افراد نخبه و کارشناسان باید تمام تلاش و امکانات خود را در این راستا به کار گیرند تا بتوانیم هر چه سریع‌تر به وضعیت کنونی پایان دهیم.» و خبر داده شده است که «چهار گروه کارشناسی برای بررسی آسیب‌های اجتماعی در آبدانان تشکیل شده است».

از میان خانواده‌هایی که فرزندشان را در روزهای اخیر از دست داده‌اند، پدر ساناز قمبری، دانش‌آموزی که اوایل آذر ماه جان باخت، یکی از کسانی است که حاضر است در مورد آنچه رخ داده حرف بزند. او در مورد خانواده و دخترش می‌گوید: «در سال‌های 66 و 67 وقتی منافقین به ایران حمله کردند، از کنار تل‌های جنازه مردم رد شده‌ام، اما از وقتی این اتفاق پیش آمده زانوهایم می‌لرزد، نمی‌توانم روی پا بایستم. حق ما که جلوی دشمن ایستادیم، این نبود که سرنوشت بچه‌هایمان چنین باشد. ما خانواده بسته‌ای نبودیم، من سه بچه دارم، این یکی ته‌تغاری بود، آن دو تای دیگر ازدواج کرده‌اند و رفته‌اند، ساناز در خانه آزادی داشت، همه چیز به میلش بود. بسیار بچه درس‌خوانی هم بود. در یکسال و نیم گذشته تمام فکر و ذکرش درس بود. مدام نگران بود که معدل و کنکورش چطور می‌شود، نمره ریاضی‌اش 19.75 بود. نگران بود که با این نمره‌ها و در این مدرسه‌ها که در اینجا هست، نتواند دانشگاهی که می‌خواهد قبول شود. می‌گفت اینها پارتی‌بازی می‌کنند و آخرش هم هیچ چیز به ما نمی‌دهند. می‌گفت معلم ریاضی‌ام برای اینکه نمره آشنای خودشان بهتر شود، به جای بیست به من 19.75 داده است.»

آقای قمبری در مورد بچه‌های دیگری که در این مدت در محله خودکشی کرده‌اند هم می‌گوید: «پدر باران، روانشناس است، مادرش کارمند بانک است، آنها فقیر نبودند. اما اینجا همه فقیر هستند. من خودم در این سن و سال از هشت صبح کار می‌کنم تا شش بعدازظهر. نه کاری برای جوان‌ها هست، نه امیدی که از اینجا بروند. این بچه، فایز سعادت را ببینید. در محل به سرش قسم می‌خوردند. خانواده‌اش فقیر هستند، رفتن به نظام تنها امیدش بود. بعد این را ردصلاحیت کردند. این بچه خیلی صالح بود. ولی چه شد؟ خودکشی کرد.»

آقای نوری، عموی آنیتا نوری، دختر 17 ساله دیگری که یک ماه پیش خودکشی کرده است، می‌گوید: «آنیتا هیچ مشکل درسی و خانوادگی نداشت، پدرش مدیر مدرسه و مادرش کارمند بودند. نه مشکل مالی داشتند، نه مساله احساسی در میان بود، نه برای درس خواندن در

فشار خاصی قرار داشت. همه چیز برای او فراهم بود، پدرش او را غرق محبت کرده بود و به او می‌گفت تنها کاری را انجام بده که حال دل خودت خوب باشد. آنیتا با باران و ساناز قمبری هم‌مدرسه‌ای بود و درست به همان شیوه‌ای که آنها خودشان را کشته‌اند، خودکشی کرده است، در حالی که روی کتاب شیمی‌اش يك یادداشت گذاشته و نوشته بود:

«شرمنده‌ام که بچه خوبی برای شما نبودم.» و يك قلب کشیده بود.» آقاي نوري در مورد اوضاع خانواده برادرش که فرزندشان را از دست داده‌اند، می‌گوید: «آنها هم حال خوبی ندارند. جلسات زیادی در فرمانداری تشکیل شده و کارگروه‌هایی برای بررسی مساله ایجاد شده است، اما ما فکر نمی‌کنیم آنها بتوانند دلیل واقعی این حوادث را پیدا کنند. ما گوشه‌های بچه‌ها را گشته‌ایم، تمام چیزهایی که پیدا کردیم در مورد درس است. حالا می‌گویند ممکن است نهنگ آبی یا مریم خونین در این ماجرا دخیل باشند، اما به هر حال ما فکر نمی‌کنیم که کسی بتواند بفهمد که واقعا چه اتفاقي رخ داده است.»

نهنگ آبی، يك بیانیه علیه روانشناسی جریان اصلی است که توسعه‌دهنده آن در زمان طراحی‌اش ادعا کرده بود با این بازی می‌تواند نوجوانان را قانع کند که دست به اعمال خشونت‌آمیز علیه دیگران و خودشان بزنند و تا مرحله خودکشی هم پیش بروند. اینکه این بازی واقعا منجر به خودکشی نوجوانان شده یا نه، هرگز ثابت نشده است. بازی مریم خونین هم يك بازی ترسناك با محتوای برگرداندن يك كودك رها شده در جنگل به خانواده است. سناریوی این بازی بسیار مختصر است و بعد از هر سه دقیقه بازی، کاربر را از صفحه بیرون می‌اندازد و تا بیست و چهار ساعت بعد امکان برگشتن به بازی را نمی‌دهد. برنامه بازی طوري نوشته شده است که کاربران آن در طول بازی در نیمه شب تماس‌های تلفنی ضبط شده دریافت می‌کنند که در آن يك صدای ناشناس پیام «کار ما با تو هنوز تمام نشده» را می‌خواند. این بازی بیشتر از آنکه تاثیری بر صدمه به بازیکنان داشته باشد، به عنوان يك بازی ترسناك شناخته می‌شود. به هر حال، خانواده قربانیان اخیر در شهر آبدانان اشاره‌ای به اینکه بچه‌هایشان درگیر این بازی‌های اینترنتی یا برنامه‌های مشابه آن بودند، نکرده‌اند.

جو شهر آبدانان متاثر از خودکشی‌های اخیر است، می‌گویند خانواده‌ها از ترس اینکه اتفاق مشابهی برای فرزندانشان بیفتد، درگیر این هستند که چگونه امکان تقلید خودکشی‌های رخ داده در ماه‌های اخیر را به حداقل برسانند. این مساله که چهار دختری که خود را حلق‌آویز کرده‌اند در يك مدرسه درس می‌خوانده‌اند، باعث شده است نگرانی‌های زیادی در مورد سلامت روانی باقی بچه‌های مدرسه و همین‌طور

نگرانی‌های جدی در مورد سلامتی مردم شهر به وجود بیاید. با در نظر گرفتن اینکه خودکشی‌ها یکی بعد از دیگری در چهل‌م قربانی قبلی رخ داده، نزدیک شدن به چهل‌مین روز درگذشت آنیتا بر این نگرانی‌ها اضافه کرده است.

خانم مرادخانی، مسوول امور اجتماعی فرمانداری آبدانان می‌گوید: «فرمانداری فقط در یک ماه گذشته، هشت جلسه در مورد این مساله برگزار کرده است. خودکشی در ایلام و شاید در تمام ایران چیز تازه‌ای نیست. شهر آبدانان ممکن است در این شاخص در جایگاه اول، سوم یا دهم یا صدم باشد. مساله این است که خودکشی‌های اخیر همه به یک شکل رخ داده‌اند و به همین دلیل نگرانی‌ها افزایش پیدا کرده است. با این حال، این مساله مسلم است که پای عاملی مربوط به سلامت روان در میان است. به هر حال ما تلاش‌هایی کرده‌ایم. تیم‌هایی برای ارزیابی موقعیت تشکیل داده‌ایم. اعضای این تیم‌ها با خانواده کسانی که در این حوادث جان باخته‌اند، در تماس هستند.»

می‌گویند مسوولانی از بهزیستی برای سرک کشیدن به اوضاع خانواده‌هایی که بچه‌هایشان را از دست داده‌اند، مراجعه کرده‌اند. دو خانواده از خانواده‌های جان‌باختگان مایل نبودند با آنها صحبت کنند، دیگران می‌گویند: «حرف زدن با آنها مشکلی را حل نمی‌کند، وقتی کار نیست، وقتی کارخانه نیست، امیدی هم نیست، بیایند بپرسند، چه فایده‌ای دارد؟ مگر چیزی عوض می‌شود؟»

فارغ از اظهارات رسمی مسوولان و کارگروه‌هایی که مردم می‌گویند مشکلی را هم حل نمی‌کند، باید بدانیم که این اولین بار نیست در یک منطقه کوچک این اتفاقات می‌افتد، در یک منطقه کوچک بروز پیدا می‌کند. مشابه آنچه در دو ماه گذشته در آبدانان رخ داده، سال 99 در رامهرمز در استان خوزستان ثبت شده است. سایت خبری انتخاب در بیست و ششم آبان 1399، در گزارشی خبر از شش خودکشی در مهر و آبان بین دانش‌آموزان رامهرمزی داده است. در این گزارش اشاره شده که یکی از دلایل خودکشی‌های رخ داده، فقر و دسترسی نداشتن به امکانات لازم برای شرکت در کلاس‌های آنلاین بوده است. در آنجا هم نمونه‌هایی از خودکشی به شیوه حلق‌آویز کردن دیده شده است و اقلاً در مورد یکی از دانش‌آموزانی که خودکشی کرده، گفته شده که علت خودکشی او، از دست دادن دوستش آن هم به واسطه خودکشی بوده است.

این مساله که خودکشی یک نفر می‌تواند روی تصمیم به اقدام خودکشی در دیگران تاثیر بگذارد، موضوعی است که روانشناسان و بسیاری از آسیب‌شناسان اجتماعی از آن به عنوان پدیده «سرایت خودکشی» یاد می‌کنند. فرض کسانی که معتقد هستند خودکشی مسری است، این است که به خصوص بچه‌ها از یکدیگر تقلید می‌کنند و در نتیجه وقتی مثلاً در یک

مدرسه یا يك محله خودكشي رخ مي‌دهد یا وقتي خودكشي يك آدم مشهور یا معمولي توجه قابل ملاحظه‌اي در رسانه‌ها دریافت مي‌کند، این احتمال که تعداد موارد ثبت شده از خودكشي‌هاي موفق و ناموفق افزایش پیدا کند، بیشتر ميشود. اما همچنان باید در نظر داشت که علت خودكشي کردن مردم، خودكشي کردن ديگران نیست. رابطه همبستگي، هر چند ممکن است بتواند به ما قدرت پیش‌بینی بدهد یا مانند آنچه امروز در آبدانان رخ داده است، نگرانی‌ها در مورد تکرار يك رفتار را افزایش دهد، اما نمی‌تواند علت رفتارهايي مانند خودكشي را توضیح دهد.

«الهام قاسمی‌نژاد»، کارشناس مسوول واحد سلامت روانی اجتماعی و اعتیاد شبکه بهداشت آبدانان در مورد خودكشي اخیر در این شهر می‌گوید: «آنچه ما از مصاحبه‌ها با اعضای خانواده، نزدیکان، همکلاسی‌ها و دوستان بچه‌هایی که خودكشي کرده‌اند، می‌دانیم این است که خودكشي در بین دختران دانش‌آموز، با خودكشي باران قمبري آغاز شده است. باران 13 ساله، دوست داشته آزادانه لباس بپوشد و آن‌طور که برخي می‌گویند بعضی رفتارهاي پسرانه داشته است، این مساله باعث درگیری‌هاي مدام او با خانواده و به خصوص پدرش بوده. این درگیری‌ها گاهی بسیار شدید بوده و منجر به آن شده است که در تابستان پدر باران برای مدتی گوشي او را از او بگیرد و محدودش کند. خودكشي او بعد از يك مشاجره با پدرش رخ داده است. به این صورت که باران به طبقه بالای خانه رفته و خودش را با شال حلق‌آویز کرده است. بعد از او، دوستش «افروز عبداللهي» به فاصله يك هفته از مرگ باران خودكشي کرده است. این‌طور که ما متوجه شدیم باران يك دوستي نوجوانانه داشته است که آن‌طور که انتظار داشته، پیش نرفته و بعد از يك مشاجره که منجر به آسیب دیدن دستش شده، پدرش از این ماجرا مطلع شده و با او مشاجره کرده است. این مشاجره، به مساله به هم خوردن آن رابطه دوستي و غم از دست دادن باران اضافه شده و افروز در يك رفتار تکانه‌ي در کمد لباسش خودكشي کرده است. ساناز قمبري، دخترعموي باران که از نظر تکنیکی دانش‌آموز محسوب نمی‌شود و مشغول درس خواندن برای کنکور بوده، قبلاً هم با مساله وسواس درگیر بوده، سومین نفری است که خودكشي کرده است. او يك بار در خرداد امسال اقدام به خودكشي کرده که ناموفق بوده است. در نهایت در چهل‌م باران وقتي خانواده برای مراسم از خانه بیرون رفته بودند، خودش را به همان شیوه دو دختر دیگر از بین برده است. آنیتا نوري، آخرین دختری است که در هفته‌هاي گذشته در آبدانان خودكشي کرده است. او سال آخر دبیرستان بوده و اضطراب زیادی را تجربه می‌کرده. به دلیل اینکه برایش مهم بوده که بهترین نمره‌ها را بگیرد. در

مدرسه نمی‌توانسته دوستی پیدا کند و این خشونت همکلاسی‌ها آنقدر شدید بوده که در کلاس عملاً تنها بوده است. تنها دوست او در يك مدرسه غیرانتفاعی درس می‌خواند و وقتی به او پیشنهاد داده که مدرسه‌اش را عوض کند، گفته از اینکه دیگران فکر کنند او چون شاگرد خوبی نیست به مدرسه غیرانتفاعی می‌رود، خوشحال نبوده. دلش می‌خواست حتماً در کنکور دندانپزشکی قبول شود و این اضطراب‌ها و استرس‌های مدرسه و مشاجرات و جو بدی که با گروه همکلاسی‌ها یش تحمل می‌کرده از حدود توانش خارج بوده است.»

خانم قاسمی‌نژاد می‌گوید که شهر آبدانان از نظر رواج افکار خودکشی اوضاع خوبی ندارد، اما آنچه امروز موجب نگرانی است، پایین آمدن سن شیوع افکار خودکشی و همین‌طور تکرار موارد مشابه خودکشی در شهر است: «سال گذشته در آبدانان 120 نفر اقدام به خودکشی کرده‌اند، امسال از فروردین تا شهریور، یازده دانش‌آموز اقدام به خودکشی کرده‌اند. بعد از مرگ باران، من با آموزش و پرورش صحبت کردم و به آنها توضیح دادم که بعد از وقوع چنین حوادثی، معمولاً تا شش‌مورد خودکشی دیگر ممکن است، رخ دهد. آن زمان توجه نکردند تا نمونه‌های بعدی اتفاق افتاد. تا پیش از این اقدام به خودکشی بیشتر با قرص و سم مورچه و چیزهایی از این دست بود، اما حالا هم، سن کسانی که دست به خودکشی می‌زنند، کم شده است و هم شیوه حلق‌آویز کردن تکرار می‌شود.»

تمام کسانی که خودکشی می‌کنند، به نوعی از درجه‌ای از بیماری‌ها و ناراحتی‌های روانی رنج می‌برند، اما معنی این مساله آن نیست که خودکشی صرفاً مربوط به شرایط «سلامت روان فردی» است. همان‌طور که اضافه وزن به تغذیه و سرطان به آلودگی‌های محیطی مربوط است، خودکشی هم تحت تاثیر عوامل اجتماعی است که کشف آنها می‌تواند مسیر بسیار سخت و دور از نتیجه باشد. آنچه روشن است، این است که کسی نمی‌داند خودکشی در کجا آغاز می‌شود. ما تنها می‌توانیم خودکشی را در نقطه پایان آن، یعنی وقتی جسد سردی روی دستمان مانده است، از نزدیک ببینیم. زمانی که کاری برای کسی که از دست رفته نمی‌توان انجام داد و برای خانواده عزیز از دست داده هم کارهای بسیار کمی می‌توان کرد.

* اگر افکار خودکشی دارید، کمک واقعی می‌تواند از بار مشکلاتان کم کند. شماره‌های تلفن 123 و 1480 می‌توانند کمک‌های فوری ارائه کنند. سامانه‌های گفت‌وگویی آنلاین به زبان فارسی با جست‌وجوی امداد خودکشی در دسترس هستند.

جو شهر آبدانان متاثر از خودکشی‌های اخیر است، می‌گویند خانواده‌ها از ترس اینکه اتفاق مشابهی برای فرزندان‌شان بیفتد، درگیر این هستند که چگونه امکان تقلید خودکشی‌های رخ داده در ماه‌های اخیر را به حداقل برسانند. این مساله که چهار دختری که خود را حلق‌آویز کرده‌اند در يك مدرسه درس می‌خوانده‌اند، باعث شده است نگرانی‌های زیادی در مورد سلامت روانی باقی بچه‌های مدرسه و همین‌طور نگرانی‌های جدی در مورد سلامتی مردم شهر به وجود بیاید. با در نظر گرفتن اینکه خودکشی‌ها یکی بعد از دیگری در چهل‌م قربانی قبلی رخ داده، نزدیک شدن به چهل‌مین روز درگذشت آنیتا بر این نگرانی‌ها اضافه کرده است.

این مساله که خودکشی يك نفر می‌تواند روی تصمیم به اقدام خودکشی در دیگران تاثیر بگذارد، موضوعی است که روانشناسان و بسیاری از آسیب‌شناسان اجتماعی از آن به عنوان پدیده «سرایت خودکشی» یاد می‌کنند. فرض کسانی که معتقد هستند خودکشی مسری است، این است که به خصوص بچه‌ها از یکدیگر تقلید می‌کنند و در نتیجه وقتی مثلا در يك مدرسه یا يك محله خودکشی رخ می‌دهد یا وقتی خودکشی يك آدم مشهور یا معمولی توجه قابل ملاحظه‌ای در رسانه‌ها دریافت می‌کند، این احتمال که تعداد موارد ثبت شده از خودکشی‌های موفق و ناموفق افزایش پیدا کند، بیشتر می‌شود. اما همچنان باید در نظر داشت که علت خودکشی کردن مردم، خودکشی کردن دیگران نیست.

گمشده آسیب‌شناسی خودکشی نوجوانان در آبدانان

شیوا دولت آبادی

خودکشی نوجوانان در آبدانان را می‌توان با مولفه‌های متفاوتی توضیح داد. فقر، معمولا یکی از عواملی است که بر خودکشی تاثیرگذار است. به انتها رسیدن ناشی از فقر و نبود چشم‌اندازی در مورد تغییر وضعیت می‌تواند یکی از دلایل خودکشی باشد، اما روشن است که در آنچه در آبدانان رخ داده، فقر عامل اصلی موثر بر خودکشی نوجوانان نبوده است.

حمایت نشدن از طرف خانواده، فهمیده نشدن از طرف خانواده و

گروه‌های دوستان هم می‌تواند در سوق دادن افراد به سمت خودکشی عامل موثری باشد، اما همین حمایت، سطح و میزان آن و نحوه ابراز آن می‌تواند جنبه آسیب‌شناسانه پیدا کند. به هر حال در ماجرای خودکشی‌های آبدانان، هر چند مساله روابط خانوادگی می‌تواند یکی از دلایل باشد، به نظر، دلیل اصلی حادثه نیست.

عوامل دیگری را هم می‌توان در مورد خودکشی نوجوانان مورد اشاره قرار داد، مسائلی که بسیاری از خانواده‌هایی که نوجوان دارند با آن درگیر هستند، می‌تواند فکر خودکشی را در بچه‌ها ایجاد کند یا تقویت کند. اما باید بدانیم که هیچ کدام این دلایل نمی‌تواند علت اصلی و تام خودکشی در نوجوانان باشد.

آنچه در مورد آبدانان می‌دانیم، این است که حال و هوای یأس و ناامیدی بر شهر حاکم شده است. این مساله که مردم و برخی خانواده‌های جانب‌باختگان نمی‌خواهند در مورد آنچه رخ داده است صحبت کنند، از ناامیدی جاری در فضای کلی شهر ناشی می‌شود. مردمی که در مورد حادثه صحبت می‌کنند هم در اشاره به وضعیت می‌گویند: «وقتی کار نیست، کارخانه نیست، جو شهر مسموم است و چشم‌اندازی برای تغییر وضعیت نیست، حرف زدن چه فایده‌ای دارد.» این اظهارنظرها فضای کلی که منجر به خودکشی می‌شود را شفاف می‌کند.

در مواجهه با مساله خودکشی نوجوانان البته اقداماتی می‌توان انجام داد؛ یکی از آنها این است که پیشگیری را از مدارس آغاز کنیم، با نوجوانان و خانواده‌های آنها در مورد اینکه آنها در چه مرحله‌ای از رشد هستند و این مرحله چه مختصات و شرایطی دارد و چگونه باید با آن کنار آمد حرف بزنیم، این از کارهای مهمی است که می‌توان در مورد پیشگیری از خودکشی نوجوانان انجام داد. تاکید به اینکه آدم‌ها در برخی مقاطع زندگی‌شان آسیب‌پذیرتر هستند و این آسیب‌پذیری را می‌توان درک کرد و با آن کنار آمد، یکی از آموزش‌هایی است که باید به نوجوانان و خانواده‌های آنها داده شود. نوجوانان امروز دسترسی‌های خیلی خوبی به منابع اطلاع‌رسانی دارند، اما این مساله به آن معنی نیست که از آنچه در حال وقوع است واقعا مطلع هم هستند. یکی از چیزهایی که باید نوجوانان و خانواده‌های آنها در موردش آموزش ببینند، آموزش در مورد سلامت روان خود است. این بحث با خودشناسی‌هایی که امروز بسیار هم باب شده، متفاوت است و از توصیه‌های آن، این است که افراد یاد بگیرند خودشان را در دراز مدت، از فاصله دور و با فکر کردن به اینکه بعد از این مقطع چه وضعیتی خواهند داشت، نگاه کنند. والدین باید پیام‌ها را به نوجوانان خود را با نظر به دوران نوجوانی خودشان نگاه کنند. به یاد بیاورند که در دوران نوجوانی چه چالش‌ها و درگیری‌هایی داشتند

